



وزارت آموزش و پرورش
سازمان آموزش و پرورش استان قم
مجتمع عالی پیامبر اعظم (ص)
مرکز تربیت معلم شهید مدنی (ره)

عنوان:

روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان

تهیه کننده:

مریم شریفی، نسرین اینانلو

رشته تحصیلی:

کارشناسی آموزش ابتدایی

زمستان: ۱۳۸۸

مقدمه :

احساس مذهبی، یعنی تلطیف روان و اعتلای وجود. تربیت و تقویت احساس مذهبی، یعنی هدایت کودکان و نوجوانان در راستای گرایشهای فطری و ارضای نیازهای روانی آنها و سرانجام پرورش احساس مذهبی، یعنی متجلی نمودن والاترین ارزشها، و فضیلتها.

در قلمرو تعلیم و تربیت، از قوه به فعل درآوردن استعدادها، توانمندیها و قابلیت‌های آدمی، مقبولترین تعریف از تربیت محسوب می‌شود.

با قبول این تعریف شناخت ویژگیهای فطری و چگونگی ظهور خصیصه‌ها و استعداد‌های ذاتی کودکان امری است اجتناب‌ناپذیر. دین خدا فطری است و هدف اصلی انبیاء الهی نیز که جملگی بشیر و نذیر بوده‌اند، احیای فطرت، فراهم نمودن زمینه‌های رشد و به کمال رسانیدن فضایل اخلاقی انسان بوده است^۱

بدون تردید همه کودکان بالفطره استعداد پذیرش و انجام تکالیف مذهبی را دارند، اما آنچه که مهم است چگونگی روشهای ارائه یا عرضه نمودن اسباب رشد و یا آئین الهی است. به دیگر سخن اگر ما بتوانیم کودکان را به نحو شایسته و مطلوب در معرض مشاهده و یادگیری رفتارها یا تکالیف مذهبی قرار دهیم، مسلماً آنها به طور طبیعی و با احساس و رضایت قلبی، آن رفتارها را خواهند آموخت، چرا که آداب مذهبی، مسائل قراردادی و وضعی را تحمیل نمی‌کند، بلکه اگر نیکو بنگریم مذهب عاملی است در جهت تأمین نیازهای فطری انسان و نماز، کاملترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان است.

پرورش احساس مذهبی کاری است بس ظریف و حساس و در عین حال بسیار ساده و آسان. احساسات و عواطف مهمترین نقش را در تکوین شخصیت، تنظیم هدفها و برنامه‌های زندگی و روابط فردی و اجتماعی دارد. چگونگی نگرش یا بازخورد کودکان و نوجوانان نسبت به جهان هستی، محیط اطراف، آداب و تربیت و ارزشهای حاکم بر خانه و جامعه متأثر از دو عامل تعیین‌کننده یعنی: برداشتهای ذهنی (شناخت)، و احساسات و عواطف انسان است.

انسان همواره نسبت به هر چیزی که به گونه‌ای درباره آن آگاهی حاصل کرده، در حوزه شناختی اش قرار می‌گیرد، احساس خاصی پیدا می‌کند. احساسی که انسان در قلمرو حیات و در سایه برداشتهای ذهنی نسبت به پدیده‌های مختلف پیدا می‌کند، متضمن دو حالت خوشایندی و یا ناخوشایندی است.

هرگاه شناختی که انسان نسبت به پدیده‌ها و مسائل مختلف پیدا می‌کند توأم با احساسات ناخوشایند و نامطلوب باشد، نتیجه‌ای جز به وجود آمدن نگرش یا آمادگی روانی منفی و بازدارنده به همراه نخواهد داشت، که تغییر چنین نگرشی نیز مستلزم تلاش بسیار خواهد بود. بدیهی است، زمانی که برداشت ذهنی انسان از یک موضوع همراه با احساس خوشایند و مطلوب باشد، زمینه ایجاد نگرش یا آمادگی روانی مثبت و مولد فراهم می‌آید و تقویت چنین نگرشی نیز بسیار آسان خواهد بود.

۱. اِنِّی بُعِثْتُ لَأَتِمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (حضرت محمد ص)

چکیده

در پژوهش حاضر که موضوع آن رورش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان است ابتدا اهمیت و جایگاه نماز بررسی شده که برخی موارد آن به شرح زیر است :

(الف) نماز نخستین واجب دینی

(ب) نخستین آموزه ی پیامبر

(ج) ستون دین

(د) اولویت اول در فروع دین

(ه) چهره دین

(و) نخستین عمل بالارونده

(ن) اهتمام اولیاء ی دین به اقامه ی نماز

(ل) سفلیش اکید معصومین (ع) به نمایندگانشان و مواردی دیگر...

بعد از آن فلسفه نماز ، اینکه نماز یاد خداست ، توضیح داده شده و در آخر هم راه هایی برای پرورش احساس مذهبی کودکان به نماز بیان شده است ؛ که به عنوان مثال می توان به نقش خانواده ها ، نقش الگوهای رفتاری و تأثیر یادگیری غیر مستقیم در ایجاد و تقویت احساس مذهبی کودکان اشاره کرد .

کلید واژه های اساسی پژوهش عبارت است از : نماز ، احساس مذهبی ، کودکان ، نوجوانان ، انگیزه و علاقه

جایگاه و اهمیت نماز

نماز در اسلام جایگاه والا و اهمیت فراوان دارد؛ به طوری که همهٔ کردارهای عبادی دیگر به شرط قبولی آن پذیرفته می‌شود. در این جا جنبه‌هایی از این اهمیت را بیان می‌کنیم:

الف) نخستین واجب دینی

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» فرمودند: «أَوَّلُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ الصَّلَاةَ الْخَمْسَ؛» (کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۶) اوّل چیزی که خداوند بر امتّم واجب کرد نمازهای پنج‌گانه بود. ابن شهر آشوب می‌نویسد: در مدّتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه بود، هیچ عبادتی تشریح نشد مگر طهارت و نماز که بر و واجب، و برای امتّ، سنّت (مستحب مؤکّد) بود. پس از معراج و در سال نهم بعثت، نمازهای پنج‌گانه واجب شد. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد، در شعبان سال دوم هجرت، روزه واجب گشت، قبله تغییر کرد و زکات فطریه و نماز عید نیز واجب شده و فریضهٔ نماز جمعه در سال نخست هجرت جایگزین نماز ظهر شده بود سپس زکات دارایی‌ها واجب شد.

ب) نخستین آموزهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله

كان رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَسْلَمَ الرَّجُلُ، أَوَّلَ مَا يُعَلِّمُهُ الصَّلَاةَ؛ سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که اوّلین چیزی که به افراد تازه مسلمان می‌آموختند، نماز بود.

ج) ستون دین

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، مَبْنَى كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَتِ الْأُوتَادُ وَ الْأُتُنَابُ، وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَفَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَنَبْتُ وَ لَا طَنْبُ؛ (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۸) نماز ستون دین است مثل نماز، مثل ستون خیمه است، هرگاه ستون، ثابت و پایرجا باشد میخ‌ها و طناب‌ها ثابت خواهند بود و هرگاه کج شده و بشکند میخ و طنابی نمی‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَهَذَا تَوَكُّكَ صَلَاتًا مُبِحًا دَأْفَقَهُ هَ دَمَ دِيْعَةٍ؛ (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲)

نماز ستون دین است، پس هر کس عمداً نمازش را ترک کند به تحقیق دینش را منهدم نموده است.

د) اولویّت اوّل در فروع دین

همان‌گونه که بدن دارای اعضای مختلفی است و از نظر اهمیت و اولویّت متفاوتند مانند سر و قلب نسبت به بقیهٔ بدن که اولویّت اوّل را دارند اجزای دین نیز چنین است و از تعبیراتی که اولیای دین دربارهٔ نماز فرموده‌اند می‌توان اهمیت و اولویّت اوّل را به خوبی استفاده نمود.

پیامبر اکرم ص می‌فرماید: مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ؛ (کنز العمال، ج ۷، ص ۳۰۰، ح ۱۸۹۷۲) جایگاه نماز در دین، مانند جایگاه سر در بدن است.

عَنْهُ - فِي وَصَايَا لِقْمَانَ لِلدِّينِ - لَا تَصْرُمُ صَرْوَمَا يَخْتَجُّكَ مِنَ الصَّلَاةِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الصَّرِيمِ؛ (محمدری شهری، الصلاة في الكتاب و السنة، ص ۲۶)

از معصوم (ع) روایت شده است که از سفارش های لقمان به پسرش این بود: روزه ای که تو را از نماز باز می دارد، مگیر؛ چون نزد خداوند، نماز محبوب تر از روزه است {البته مراد از روزه مستحبی است}.

ه) چهره دین

حضرت علی (ع) می فرماید: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهٌ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا تَسِيرَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ؛ (بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۲۷ و الوافی، ج ۷، ص ۵۵)

برای هر چیز چهره ای است و چهره دین شما نماز است، مبدا کسی چهره و سیمای دینش را خراب نماید. اگر دین را به یک انسان تشبیه کنیم و برای آن اعضا و جوارحی در نظر بگیریم؛ مقام و منزلت نماز در جسم دین، همچون مقام و منزلت صورت در بدن است. صورت، شریف ترین عضو از اعضای ظاهر بدن است، زیرا ارجمندترین عضو بدن انسان، سر اوست و شریف ترین عضو در سر، صورت است که اعضای حساسی در آن قرار دارد مانند چشم، گوش، بینی، زبانه و دندان. هم چنین نماز در میان عبادت ها، والاترین آنهاست، چون نماز مانند صورت دین است و زیبایی هر بدنی به زیبایی صورت آن است و اگر صورت کسی زیبا نباشد او را زیبا نمی گویند. زیبایی جسم دین و نیکویی بدن دیانت نیز به نماز بستگی دارد. هنگامی که ما به دیدار کسی می رویم، ابتدا به صورت او نگاه می کنیم و اگر مهربانی و خوشرویی در چهره اش مشاهده کنیم خوشحال می شویم و دوست داریم با او همنشین شویم و اگر صورتی گرفته داشت از او تنفر می جویم.

در قیامت نیز چون اعمال ما بازرسی شود، اگر نماز ما موجب خشنودی خداوند شود از نوازش و بخشش او برخوردار خواهیم شد و اگر از نماز ما خشمگین شود از رحمت او محروم خواهیم ماند و عبادت های دیگر ما نیز سودی نخواهد داشت. هم چنین صورت، یگانه عضو حساس است که چون اهل دین و صاحبان علم و یقین به آن بنگرند، سعادت یا شقاوت صاحب آن را به دست می آورند، نماز نیز یگانه عملی است که از کیفیت به جا آوردن آن سعادت یا شقاوت نماز گزار استفاده می شود. اگر کسی نماز را مهم بشمارد و آن را با رعایت آداب و شرایط انجام دهد، نماز صحیح و کامل او، در انجام دادن سایر واجبات و ترک محرمات مؤثر خواهد بود. بدیهی است که چنین شخصی سعادت مند محسوب می شود. اما اگر در امر نماز توجه و مراقبت نداشته باشد و رکوع و سجود آن را با دقت به جا نیاورد و ارزش و مقام نماز را حفظ نکند، چه بسا در واجبات دیگر نیز برای آنها اهمیتی قابل نشود، بلکه برخی از گناهان را نیز مرتکب شود و روشن است که چنین شخصی اهل شقاوت و بدبختی خواهد بود. هم چنین اگر صورت، دارای اعضای صحیح و سالمی باشد، پیشانی در کمال درخشندگی، ابروان در حال پیوستگی، چشمان، پر جاذبه، بینی با حالتی زیبا، دهان چون غنچه گل، دندانند چون صدفی درخشان و محاسن، نیکو و چشم نواز باشد، بدیهی است که چنین صورتی در کمال زیبایی و مورد اشتیاق خواهد بود. برعکس، اگر صورتی که پیشانی آن تاریک و موهای ابروانش ریخته و چشمانش به حالت دردناکی گرفتار باشد و بینی آن ورم کرده و لبش زخم شده و دندان هایش ریخته باشد، چنین صورتی در نهایت زشتی و موجب تنفر و دوری خواهد بود.

هم چنین نماز که صورت دین است دارای اعضا و جوارحی است که آنها مانند پیشانی و ابرو و چشم و بینی و دهان و محاسنند. مانند تکبیر و قیام و رکوع و سجود و تشهد و سلام و مستحبات نماز؛ پس نماز که صورت و چهره دین است اگر دارای اعضای این صورت و چهره، سالم و زیبا نباشد و اعمال نماز صحیح و کامل انجام نگیرد، آن صورت، زشت و آن عمل مایه تنفر و دوری است و خداوند به چنین نمازی توجهی نخواهد کرد.

(و) پرچم اسلام

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: عَلِمَ الْإِسْلَامَ الصَّلَاةُ؛ (کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹)
نماز، پرچم اسلام [و علامت و نشانه مسلمان بودن] است.

(ز) نخستین عمل بالارونده

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: أَوَّلُ مَا يُفْعَلُ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ؛ (کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹)
اول چیزی که از اعمال امتم بالا برده می شود، نمازهای پنج گانه است.

(ح) آرزوی ابراهیم (ع)

یکی از راه های شناخت شخصیت خود و دیگران آن است که دعاها، خواسته ها و آرزوها مورد بررسی قرار گیرد که چقدر از آنها مادی و چه مقدار معنوی است و می توان گفت ارزش هر کس به میزان آرمان های اوست . حضرت امیر مؤمنان (ع) می فرماید: من کانت همته ما یدخل بطنه کانت قیمته ما یخرج منه؛

هر کس همت و تلاشش [فقط] در جهت مسائل مربوط به شکمش مصروف باشد، قیمت و ارزش او به مقدار چیزی است که از او خارج می شود. قرآن کریم زمانی که دعاها و آرزوهای ابراهیم (ع) را بیان می کند چنین می فرماید:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَنبَلًا وَ نَقَبًا دُعَاءِ»؛ (ابراهیم (۱۴) آیه ۴۰)

پروردگارا من و ذریه ام را از اقامه کنندگان و نماز قرار بده و بار الهی دعا می را اجابت فرما.

«رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَنبَلًا وَ نَقَبًا دُعَاءِ»؛ (ابراهیم، آیه ۳۷)

پروردگارا به تحقیق، من ذریه و فرزندان خود را به وادی بی کشت و زرعی نزد بیت الحرام تو برای اقامه نماز مسکن دادم.

(ط) برپادارنده دین

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: قَعَمَ الدِّينِ الصَّلَاةُ؛

برپا دارنده دین نماز است.

(ی) اهتمام اولیای دین به اقامه نماز

۱. پیامبر اکرم (ص) فرمود: يَا أَبَادَرُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُوَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَبًا إِلَيَّ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ، وَ إِلَيَّ الظَّمَانَ

الماءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِيعَ، وَ إِنَّ الظَّمَانَ إِذَا شَرِبَ رَوِي، وَ أَلَّا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۴)

ای ابادر! به تحقیق خداوند نماز را نو چشمم قرار داده و آن را محبوب من ساخته است همان گونه که طعام و غذا برای

شخص گرسنه دوست داشتنی است [با این تفاوت که] به تحقیق گرسنه با خوردن غذا سیر شده و تشنه با نوشیدن آب

سیراب می گردد اما من از نماز خواندن سیر نمی شوم.

۲. حضرت صادق (ع) می فرماید: **إِنَّ عَلِيًّا فِي آخِرِ عُمْرِهِ بِحُرِّيٍّ فِي كَلِّ نَحْمٍ وَلِيَأْفِ أَلْفَ رَكْعَةٍ**. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶ و ۸۴)

به تحقیق علی (ع) در آخر عمر خویش در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد.

۳. حسن بصری می گوید: **مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا عَبْدٌ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَلَمَاهَا؛** (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶)

هیچ زنی عبادتش بیشتر از فاطمه زهرا علیها السلام نیست، آن بزرگوار آن قدر برای نماز و عبادت روی پا می ایستاد که پاهای مبارکش متورم می شد.

۴. در عصر روز تاسوعا امام حسین (ع) به برادرشان ابوالفضل (ع) فرمودند:

إِرْجِعْ إِلَيْهِمْ وَاسْتَمِهِلْهُمْ هَذِهِ الْعَشِيَّةَ إِلَى غَدٍ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ، وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ إِنِّي أَحْبَبُ الصَّلَاةَ لَهُ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ، وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ؛ (مقتل الحسين، ص ۲۱۱)

نزد آنان برو و امشب را مهلت بخواه تا بتوانیم امشب نماز را به جا آورده و دعا و استغفار نمائیم، زیرا خداوند می داند که من نماز و خواند قرآن و زیاد دعا کردن و استغفار نمودن را دوست دارم.

ک) حساسیت اولیای دین به خوب اقامه کردن نماز

۱. **عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: ذَكَرْتُ لِلْبَيْتِ عِ بَدِ اللَّهِ (ع) رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا أَحْسَنَتْ عَلَيْهِ الثَّلَاةُ فَقَالَ لِي: كَيْفَ صَلَاتُكَ؟** (الوافی، ج ۷، ص ۵۴)

شخصی به نام هارون می گوید: خدمت امام صادق (ع) نام یکی از شیعیان را بردم و از او تعریف و تمجید کردم. حضرت فرمودند: نمازش چگونه است؟

۲. حضرت صادق (ع) می فرماید: **امْتَحِنُوا شَرِيعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتِكُمْ عَلَيْهَا؛** (سفینته البحار، ج ۲، ص ۴۴)

شیعیان ما را در اوقات نماز آزمایش کنید که چقدر به فکر نمازشان هستند.

ل) سفارش اکید معصومین (ع) به نمایندگانشان

۱. **فِي وَصِيَّتِي (ص) لِمُعَاذِينَ جَبَلِ لَمَّا بَعَثْتُ إِلَى الرَّجْمِ: يَا مُعَاذُ!... وَلِي كُنْ أَكْبْرَهُ مَكَّ الصَّلَاةَ فَلَيْهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِلَدِينِ... (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۷)**

پیامبر اکرم (ص) هنگامی که معاذ را به نمایندگی به سوی مردم یمن فرستاد او را مشایعت نموده و در ضمن وصیت و سفارش هایش فرمود: ای معاذ! باید بیشترین همت و تلاش را برای اقامه نماز باشد؛ زیرا نماز بعد از اقرار به دین از مهم ترین مسائل اسلامی است.

۲. **وَمِنْ غَدَلِي (ع) إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ حِينَ قَلْبَهُ مِصْرَ:... صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا، وَلَا تَسْجُدْ وَقَهَا لِغِيَاغِ، وَلَا تَبُحِّرْهَا عَنْ وَقَهَا لِاشْغَالِ، وَاعْلَمْ أَنَّ كَلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ يَنْجِي لِرِائِكَ؛** (نهج البلاغه، نامه ۲۷)

از عهد و پیمان های علی (ع) به محمد بن ابی بکر هنگامی که حکومت مصر را به او واگذار کرد فرمود: ...نماز را در وقتی که برای آن تعیین گشته به جا آور و از جهت بیکاری آن را پیش از وقت به جا نیاور، و به جهت کارداشتن آن را از وقتش

مگذران، و بدان هر چیز از عملت پیرو نماز تو است (اگر نماز را نیکو به جا آوری کارهای دیگر را نیکو انجام خواهی داد، و هرگاه آن را ضایع ساختی غیر آن را تباه تر گردانی).

(م) آخرین وصیت انبیا و اوصیا (ع)

۱. حضرت امام صادق (ع) می فرماید : أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ ؛ (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۶)

محبوب ترین کار نزد خداوند نماز است و نماز، آخرین چیزی است که همه انبیا (ع) در وصیت هایشان به آن سفارش نموده اند.

۲. أَخْرَجَ مَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) ثَلَاثًا كَانَ يَكَلِّمُ بَيْنَهُ حَتَّى يَلْجَحَ لِسَانُهُ وَ خَفِيَ كَلَامُهُ فَجَعَلَ يَقُولُ: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ، وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ لَا تَكْفُرُونَهُ مَا لَا يُطِيقُونَ، اللَّهُ اللَّهُ فِي الرَّسَائِ فَلْيَنْعَنَّ عَوَانَ عِنْدَكُمْ وَ فِي أَيْدِيكُمْ - یعنی أسراء - أَخَذْنَاهُمْ نَبِيَّ اللَّهِ وَ اسْتَخْلَقْنَا فَنُوجِهَنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ؛ (محبجہ البيضاء، ج ۳، ص ۹۷)

آخرین چیزی که پیامبر اکرم (ص) به آن وصیت فرمود سه مطلب بود که بر زبانشان جاری شده و صدایشان مخفی گردید و اما آن سه وصیت چنین است : «نماز را [به پا بدارید] نماز را [به پا بدارید] کسانی که زیر دست شما هستند بر آنها سخت گیری نکنید [و ستم روا مدارید] خدا را، خدا را درباره زنان [فراموش نکنید و مبادا به آنان ستم کنید] زیرا آنها امانت خداوند نزد شما هستند [و توان دفاع از خود ندارند]، آنان با پیمان الهی در اختیار شما قرار داده شده و به اذن پروردگار از آنان بهره می بردید»

۳. فِيمَا أَوْصَى بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عِنْدَ وَفَايَةِ: الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۳)

در وصیت ها و سفارش ها امیر مؤمنان (ع) در آخرین لحظات زندگی شان آن بود که سه مرتبه درباره نماز تأکید فرمودند.

۴. عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حُمَيْدَةَ أَعَزَّهَا لَبِيبِي عَبْدَ اللَّهِ (ع) فَبَكَتْ وَ بَكَتْ لِي كَأَنَّهَا بَعْتُ قَالَتْ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتَ أُمَّ أَبِ عَبْدِ اللَّهِ (ع) عِنْدَ الْمَوْتِ لَوَأَيْتَ عَجَلًا لَفَتَّ عَرَبِيَهُ بَعْتُ قَالَ: إِجْمَعُوا لِي كَلْفًا مِنْ بَيْتِي وَ بَيْعًا قَوَائِبًا. قَالَتْ: فَلَمْ تَتْرُكْ أَحَدًا إِلَّا جَمَّ عَلَيْهِ. قَالَتْ: فَظَنَرْتُ إِلَيْهِمْ بَعْتُ قَالَ: إِنَّ شَرَّ عَمَلٍ لَا نَتَلَّ مُسْتَعِفًّا لِلصَّلَاةِ. (بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۹۳)

ابو بصیر می گوید: وارد شدم بر ام حمیده (همسر مکرّمه امام صادق ع) که او را بر عزای حضرت صادق (ع) تسلیت بگویم. پس گریست و من هم گریستم. سپس فرمود: ای ابا محمد [لقب دیگر ابو بصیر] اگر هنگام رحلت امام صادق (ع) بودی چیز عجیبی مشاهده می کرد. آن حضرت چشمان خویش را گشود و فرمود: تمام کسانی را که با من خویشاوندی دارند حاضر سازید، پس همه را جمع کردیم. آن حضرت نگاهی به همه کرده و سپس فرمودند: به تحقیق شفاعت ما با کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید.

(ن) نماز، اول چیزی است که از فروع دین مورد سؤال واقع می شود

۱. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: أَوَّلُ مَا يُسْأَلُونَ عَنْهُ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ؛ (کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۶)

اول چیزی که نسبت به آن «از فروع دین، امّت» سؤال می شوند، نمازهای پنج گانه است.

۲. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ، وَ هِيَ أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ فَلْيَنْصَحْ صِحَّتَ نَفْسِهِ فِي عَمَلِهِ، وَ إِنْ لَمْ يَنْصَحْ لَمْ يُنْظَرْ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳)

به تحقیق ستون دین نماز است، و آن اول عملی است که از بنی آدم به آن رسیدگی می شود؛ پس اگر صحیح باشد به بقیه اعمالش پرداخته می شود و اگر صحیح نباشد به بقیه اعمال رسیدگی نمی شود.

س) شرط قبولی اعمال دیگر

همان گونه که ارزش همه اعمال حتی نماز، بسته به پذیرش ولایت است، قبولی بقیه فروع دین بستگی به قبولی نماز دارد. ابو حمزه ثمالی می گوید: حضرت علی بن الحسین (ع) به ما فرمود:

أَيُّ الْقِبْلَةِ أَفْضَلُ؟ فَقُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ، فَقَالَ لَنَا: أَفْضَلُ الْقِبْلَةِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَرَ مَا عَمَّرَ لَوْحٌ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَرِيٍّ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا، حَصْرُومُ الرَّهَارِ، وَ حَقُّومُ اللَّيْلِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ، نَعَمْ لَقِيَ اللَّهُ بِغَيْرِ وَ لَلِجِدِّ لَمْ يَنْفَعَهُ ذَلِكَ شَيْئًا؛

کدام مکان برترین مکان هاست؟ گفتیم: خدا و رسولش و فوزند او آگاه ترند. فرمودند: برترین مکان، مابین رکن و مقام ابرهیم (ع) است و اگر شخصی عمرش به اندازه حضرت نوح (ع) طولانی شود - نهصد و پنجاه سال - که روزهایش را روزه و شب ها را تا به صبح در آن مکان عبادت کند سپس خدا را بدون داشتن ولایت ما ملاقات کند هیچ نفعی به ح الش ندارد.

حضرت باقر (ع) می فرماید: إِنَّ أَوَّلَ مَا حُجِرْتُ بِهِ الْعِبَادَةُ الصَّلَاةُ فَلَمَّا قَبِلْتِ قَبْلَ مَا سَرَّاهَا؛ به تحقیق اول چیزی که بنده (در قیامت) مورد محاسبه قرار می گیرد نماز است؛ پس اگر (نمازش) قبول شد؛ بقیه اعمالش پذیرفته می شود. (یعنی قبولی بقیه اعمال بستگی به قبولی نماز دارد)

ع) کلید بهشت

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ؛ نماز کلید بهشت است.

ف) نماز گزار مورد حسد ابلیس است

حضرت علی (ع) می فرماید: إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ ابْلِيسُ يُنْظِرُهُ إِلَيْهِ حَسْرَةً لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ؛ هنگامی که کسی نماز را به پا می دارد، ابلیس (رئیس همه شیاطین) می آید و به نظر حسادت به او نگاه می کند، زیرا می بیند که رحمت خداوند او را فرا گرفته است.

ص) شیاطین تلاش فراوان برای اقامه نشدن آن دارند

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَتَّقِعَ بَيْنَكُمْ الْعِدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ حَصْرُ كُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»؛ (مانده، آیه ۹۱) همانا شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند، و شمارا از یاد خدا و از نماز باز دارد. از این آیه شریفه استفاده می شود که تمام کسانی که در جامعه در راه اقامه نماز سنگ اندازی و مانع تراشی می کنند انسان هایی هستند که خواسته یا ناخواسته از عوامل و کارگزاران شیطانند.

حضرت باقر (ع) می فرماید: إِنَّ لِلَّيْلِ شَيْطَانًا عَقَّالًا لَهُ: الرَّهْمَا ، فَلِذَا اسْتَيْقَظَ الْعَبْدُ وَ أَرَادَ الْقِيَامَ إِلَى الصَّلَاةِ فَقَالَ لَهُ: لَيْسَتْ سَاعَتُكَ نَمًّا حَسْبِيَتْ مَرَّةً أُخْرَى فَهَوَّلُ لَهُ: لَمْ عَانَ لَكَ ، فَمَا عَدَّالُ كَفَلِكَ عَنِ الْيَأُ وَ حَسْبِيَتْ حَسْبِيَتْ عَطَّالُ الْفَجْرِ ، فَلِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ بَالَ فِي أُذُنِهِ نَمًّا اِضْعَاعٌ يَحْصَعُ بِنَبِيْفَضْرًا وَ حَصْرِيْحٌ؛

به تحقیق یکی از شیاطین در شب مأموریت دارد که فردی که می خواهد برای نماز شب بیدار شود و سوسه کند که برای نماز به پا نخیزد؛ پس وقتی شب از خواب بیدار می شود به او می گوید هنوز زود است و در مرتبه بعد هم همین طور تا طلوع صبح تلاش می کند که او برای نماز شب بلند نشود و وقتی صبح طلوع می کند از خوشحالی فریاد می زند و بر این کارش افتخار می کند [و یکی از مواردی که شیطان افتخار می کند جایی است که بتواند کاری کند که کسی نماز نخواند].

ق) بیشتر مجرمان و جنایتکاران بی نمازند

دو نفر از دادستان های تهران و مشهد گفتند: بیش از ۹۰٪ مجرمین زندان ها کسانی اند که اهل نماز نبودند.

(ر) بیشترین آیات و احادیث فروع دین درباره نماز است

بیشترین آیات فروع درباره نماز است. اما احادیث؛ ما دو کتاب حدیث داریم که بسیار مفصل و شامل تمامی روایات و احادیث فقهی مکتب شیعه است؛ یکی وسائل الشیعه و دیگر مستدرک الوسائل است، طبق شماره ای که در آنها منعکس است مجموعاً ۵۹۰۰۰ روایت دارد و از این تعداد تقریباً نوزده هزار آن مربوط به نماز و این می تواند گویای اهمیت نماز در اسلام و اهمیت آن در مکتب تشیع باشد که تقریباً یک سوم روایات فقهی ما مربوط به نماز و مقدمات آن است.

ش) نماز دارای چهار هزار حد است

حضرت صادق (ع) فرمودند: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ حُدُودٍ؛

برای نماز چهار هزار حد است.

۱. شهید فرموده است: مقصود از چهار هزار حد، واجبات و مستحبات نماز است که واجبات آن هزار عدد است که شهید کتاب الفیه را برای آن نوشته است و مستحبات آن سه هزار است که کتاب نعلیه را برای آن تألیف نموده است.
۲. مرحوم مجلسی از پدرشان نقل کرده اند که آن بزرگوار فرموده است: مراد چهار هزار مسئله مربوط به نماز است.
۳. مراد از آن، حدود ابواب فیض رحمت است که نماز گزار چون دل را از یاد غیر خدا تهی کرد و خود را غرق دریای حق دید، مشمول چهار هزار فیض رحمانی خواهد شد.

ت) نماز گزاران و اهل روزه مورد غبطه در گذشتگانند

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكَ يُخَادِي فِي الْمَقَابِيهِ؛ مَنْ تَعَطَّوْنَ؟ فَقَوْلُونَ: أَهْلَ الْمَسَاجِدِ حُجْرُونَ وَ لَا يَقْدِرُونَ، وَ يَصْرُومُونَ وَ لَا يَقْدِرُونَ؛

هیچ روزی نیست مگر آن که فرشته ای در قبرستان ها ندا می دهد که [ای اهل قبرستان! آرزو دارید مثل چه کسی باشید و به چه کسی می گوید خوشا به حالش؛ یعنی] به چه کسی غبطه می خورید؟ آنان در جواب می گویند: به اهل مساجد که نماز می خوانند و ما نمی توانیم و روزه می گیرند و ما امکان روزه گرفتن برایمان نیست.

ث) نماز ظهر عاشورا

یکی از درس های آموزنده نهضت سالار شهیدان، حضرت حسین بن علی (ع) پیوند آن با عبادت و نماز است، به گونه ای که ظهر خونین عاشورا بر ای همیشه ، همراه با کلمه نورانی «نماز» در خاطر تاریخ مانده است و یکی از شهدای کربلا هنگامی به شهادت رسید که از امام حسین (ع) محافظت می کرد تا آن اسوه نماز گزاران ، نماز بخواند . این درسی است که اهمیّت نماز را بیان می کند و غفلت از آن هرگز روا نیست.

خ) جامع همه عبادت ها

در نماز خاصیت زکات، حج، جهاد، روزه و غیر آنها موجود است، اما زکات چون محک محبت است و گذشتن از ملک خویش در راه دوست و فنای خویش در هستی اوست این اثر در نماز ظاهر می شود در وقتی که در مالک یوم الدین تصدیق قلبی کنی. اما روزه به جهت این که مفطرات روزه در نماز حرام است علاوه بر آنها صمت و خودداری از کلام مخلوقین لازم است و اما حج برای این که توجه ظاهری به کعبه ظاهری می کنی از دور توجه می کنی اما در نماز توجه به کعبه حقیقی می نمایی که عبارت از دل است که در عالم دین انسانی به منزله کعبه است و به منزله بیت المعمور است در آسمان چهارم و به منزله عرش است. و اما جهاد، زیرا که جهاد با نفس اماره است که جهاد اکبر است و...

ذ) نماز در هیچ حالی ساقط نمی شود

۱. سؤال: آیا نماز در هیچ حال از مسلمان ساقط می شود (البته به استثنای ایام عات و ولادت برای زن) به عنوان مثال آیا در جنگ، در حال آتش سوزی ، کسی که آب یا خاک برای وضو و تیمم ندارد یا در حالت تقیه یا کسی که فلج است و بر تخت بیمارستان بستری شده یا کسی که با اشاره چشم هم نمی تواند نماز بخواند ، و مانند آن نماز ساقط می شود؟
ج: در هیچ حالی، جز آنچه در بالا در م ورد زنان اشاره گردید نماز ساقط نمی شود؛ منتهی گاه به طور کامل خوانده می شود و گاه به صورت کوتاه و مختصر و یا حتی با اشاره قلبی و گذراندن مفاهیم و اعمال نماز در دل انجام می گیرد، آری نماز در هیچ حال ترک نمی شود.

۲. سؤال: گاهی مشاهده می شود که هنگام مسافرت با اتوبوس بعضی از رانندگان مسافران را برای خواندن نماز پیاده نمی کنند و اگر تذکر بدهند احتمال دارد که توجه نکنند تکلیف چیست؟
ج: تا آن جا که توان دارید تذکر بدهید و اگر جدی تذکر بدهید مطمئن باشد اثر می کند و نگه می دارند و اگر نگه نداشتند باید در ماشین به هر طور که می توانید نماز بخوانید.

فلسفه و روح نماز

۱- نماز یاد خداست

خداوند به حضرت موسی می فرماید:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»

برای یاد من نماز به پا دار.

ذکری قلبی، با روشی مخصوص یاد خداوند، با شیوه ای ابتکاری که اعضای انسان از موی سر تا نوک پا در آن نقش دارند. هنگام وضو، هم روی سر را مسح می کنیم و هم روی پا را، هنگام سجده هم پیشانی بر زمین نهاده می شود هم انگشت پا، هم زبان حرکت می کند هم دل به یاد اوست. در نماز چشمها نیز باید به محل سجده به حال نیمه باز دوخته شود، قسمتهائی از بدن باید پوشیده شود، کمر در رکوع خم شود، دستها هنگام گفت «الله اکبر» باید بیاید، گردن صاف و در رکوع کشیده شود، به هر حال در نماز همه اعضا به نحوی در خدمت یاد خدا هستند.

۲- نماز و تشکر

یکی از اسرار نماز تشکر از ولی نعمت است، قرآن می فرماید (عبادت کنید پروردگاری را که شما و نیاکان شما را آفرید، هستی شما و همه از اوست) «واعبدوا ربکم الذی من قبلکم» تشکر از ولی نعمت یک ارزش است. در سوره کوثر می خوانیم: ما به تو «کوثر» دادیم خیر زیاد عطا کردیم پس نماز بخوان «أنا اعطیناک الکوثر فصللاً» یعنی به شکرانه عطایای ما نماز به پا دار.

نماز بهترین نوع شکرگذاری است که شیوه را به کار بسته اند، نماز تشکری است هم عملی و هم زبانی و هم دائمی و هم سازنده.

۳- نماز و قیامت

مردم نسبت به رستاخیز و معاد، چند دسته هستند:

۱ - به قیامت شک دارند: «ان کنتم فی ریب من البعث»

۲ - به قیامت گمان دارند: «یظنون أنهم ملاقوا الله»

۳ - به قیامت یقین دارند: «و بالاخره هم یوقنون»

۴ - منکر قیامت هستند: «و کنا نکذب بیوم الدین»

۵ - ایمان دارند ولی فراموش می کنند: «نرؤا یوم الحساب»

قرآن برای رفع شک استدلال کرده و از مؤمنین و گمالم دارندگان با (تفاوتها) ستایش کرده است و از منکران برهان خواسته که دلیل انکار شما چیست؟ و برای گروه پنجم تذکراتی داده که انسان فراموش نکند. نماز، هم شک زدایی می کند و هم غفلتها را به «یاد» تبدیل می سازد.

در نماز با گفتن جمله «مالک یوم الدین» هر شبانه روز حداقل ده بار انسان به خود مسئله قیامت را تلقین و تذکر می دهد.

۴- نماز و راه یابی

ما در نماز هر روز از خداوند راه مستقیم می خواهیم

انسان هر لحظه فکرتازه ای دارد، دوستان و دشمنان و نزدیکان و بیگانگان و طاغوت ها و وسوسه گران هم با تلقین و تشویق و تهدید و تبلیغ با شکل های مختلف برای انسان طرح هائی را دارند برنامه ریزی هائی می کنند که انسان جز با امداد الهی هرگز نمی تواند در میان این همه راههائی که از هوسها مایه می گیرد نجات یابد و فقط راه مستقیم راه پیماید و در میان خطوط مختلف گنج نشود.

«اهدنا الصراط المستقیم»:

۱. راه خدا و اولیاء خدا.
۲. راهی که از هر گونه خطا و انحرافات دور باشد.
۳. راهی که ترسیم کننده آن مرا دوست داشته باشد.
۴. نیازم را بداند.
۵. راهی که به بهشت متصل شود.
۶. راهی که با فطرت سالم هماهنگ باشد.
۷. راهی که اگر در آن راه از دنیا رفتم شهید محسوب شوم.
۸. راهی که از عالم بالا و بالاتر از علم ما باشد.
۹. راهی که انسان در حرکت در آن شک نکند.
۱۰. پشیمان نشود.
۱۱. از همه راهها صاف تر و نزدیک تر و روشن تر باشد.
۱۲. و بلاخره راه انبیا و شهدا و صالحان و صدیقین. اینها نشانه های راه حق و مستقیم است که شناخت آن مشکل و دقیق است و حرکت در آن و پایداری در آن نیاز به امداد الهی دارد.

۵- نماز جنگ با شیطان هاست

همه ما با کلمه محراب آشنا هستیم این کلمه در قرآن نیز درباره نماز حضرت ذکر یا (ع) آمده است. (هو قائم یصلی فی المحراب) (آل عمران/۳۹-۳۸)

از ایستادن به نماز، به قیام «قیام در محراب» تعبیر شده و محراب در لغت یعنی محل جنگ، چراکه نماز و حضور در محراب عبادت نیز جنگ بلابلیس است.

۶- محراب مکان حرب است

اگر انسان هر روز چند بار در مکانی قرار بگیرد که نامش محل جنگ باشد، جنگ با هوسها و شیطان ها و طاغوت ها، القاء این کلمه چه تأثیری در فرد و جامعه دارد؟ بگذریم که امروز بخاطر فرهنگ غلط محراب ها را از حجله عروس بیشتر ریزین می کنند و زر و زیور و گل و بوته ها و کاشیکاریها، صحنه را درست به عکس کرده به جای فرار شیطان جولانگاه او قرار داده است.

روزی پیامبر به فاطمه سلام الله علیها فرمود:

این پرده را از جلو دید من بردار زیرا نقشه و گل روی این پارچه هست و در حال نماز توجه مرا از بین می برد. ولی ما امروز مبلغ سنگینی خرج می کنیم تا محراب را با مرمر و کاشی تزیین کنیم. نمی دانم چرا به اسم شعائر مذهبی و هنر معماری از متن اسلام دور می شویم؟ اسلام هر چه عمیق ولی بی آرایش معرفی شود جاذبه بیشتری خواهد داشت. ما با اینهمه تزیینات چند نفر را به مسجد جذب کرده ایم و اگر بودجه این تشریفات را صرف نیازهای لازم کنیم چقدر جذب خواهیم کرد؟

۷- بی حال ها را هل دهید

امام رضا علیه السلام در فلسفه نماز جماعت می فرماید:

یکی از آثار نماز جماعت تشویق افراد بی حال است مثلاً همین که نام مقدس حضرت مهدی (ع) برده می شود علاقمندان و عاشقان به احترامش قیام می کنند افراد بی حال، همین که دیدند آنها قیام کردند آنها هم به پا خواسته و احترام می کنند. این یک تشویق عملی برای افراد بی نشاط است.

۸- نماز اولین فرمان به موسی

«أَنْتَىٰ اَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه / ۱۴)

موسی همراه همسرش در مسیر راهی بودند. حضرت آتشی را دید و فرمود من می روم تا آتش برای گرم شدن بیاورم. رفت ، خطاب آمد: «اِنَّنِیْ اَنَا اللهُ» بعد از توحید، فرمان نماز صادر شد.

ناگفته پیداست که رابطه نماز و توحید بسیار نزدیک است، توحید ما را به سوی نماز می کشاند و نماز روح توحید ما را زنده می کند، شما در هر رکعت بعد از پایان سوره بعد از رکوع بعد از هر سجده، در پایان هر نماز، قبل از شروع نماز مستحب است بگوئید الله اکبر و این تکبیر در لابلای نماز از یکسو، تسبیحی که در رکوع و سجود می گوئیم و جمله « لا اله الا الله» که در رکعت سوم و چهارم می گوئیم همه صیقل دادن به روح توحید و جلوه دادن روح ایمان است.

۹- بریدن از نماز زمینه گرایش به همه مفساد است

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ» (مریم / ۵۹)

بعد از انبیاء گروهی جانشین آنها شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند. در این آیه اول ضایع شدن نماز را مطرح کرده بعد در دام شهوات قرار گرفتن را . چون نماز ریسمان ارتباط با خداست، همین که پاره شد، افتادن در وادی تباهی حتمی است، همچون گسستن بند تسبیح، که همه دانه ها در اثر آن پخش و گم می شوند.

۱۰- برای حفظ نماز خانه های تمام ادیان خون دادن هم مانعی ندارد

در آیه ۴۰ سوره حج می خوانیم :

اگر مؤمنان انقلابی دست به اسلحه نبرند و جلو مفسدین را با قدرت و جنگ نگیرند، تمام نمازخانه ها و عبادتگاه های یهودیان و مسیحیان و مسلمانان خراب می شود.

«وَلَوْ لَا دَفَعَ اللهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللهِ».

صوامع جمع صومعه : مکانهای عبادت در بیرون شهر و به معنای دیر که برای زهد ساختن می شد. بیع جمع بیعه محل عبادت نصاری است که همان کلیسا و کنیسه است.

صلوات جمع صلوه محل عبادت یهودیان است که بعضی آنرا عربی ثلوثا در عبری دانسته اند و مسجد محل عبادت مسلمین است.

روش های پرورش احساس مذهبی نماز:

کودکان و نوجوانان در یادگیری و کسب عادات مطلوب بیش از آن که متأثر از زبان منطق و استدلال باشند، وجودشان مملو از عواطف و احساسات بوده، مستعد پذیرش از طریق زبان مهر و محبتند. با ایجاد احساسات خوشایند در کودکان و نوجوانان زمینه یادگیری رفتارهای مطلوب، پیدایش انگیزه‌های رشد، همانند سازی و اتصاف به صفات الگوهای دلخواه فراهم می‌گردد. با توجه به اهمیت وجود احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان، در این جا سعی می‌شود به نمونه‌هایی از روشهای پرورش احساس مذهبی اشاره شود.

پر واضح است که این نوشته فقط می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به چنین مبحث مهمی باشد و بس.

خانواده و احیاء و پرورش احساس مذهبی در کودکان

غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری استوار است و اولین و مهمترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است، زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف، از خانه سرچشمه می‌گیرد. علی (ع) می‌فرماید: «صفحه دل نوجوان همچون زمین مستعدی است که هیچ گیاهی در آن نرویده و آماده هر نوع بذرفشانی است.»

پس از آنچه که مطلوب است، در نهاد فرزندانمان وجود دارد و اینک رسالت پیامبرگونه اولیاء است که با باغبانی خود بذر وجود آنان را شکوفا کنند. گزل ۱ روان شناس شهیر آمریکایی می‌گوید: «کودک در ۵ و ۶ سالگی نسخه کوچک جوانی است که بعداً خواهد شد.» البته او هرگز نمی‌خواهد منکر تأثیر تربیت در دوره جوانی شود، بلکه می‌خواهد بر نقش و اهمیت حیاتی تربیت در خانواده تأکید کند.

به نظر وی بسیاری از رفتارهایی را که در نوجوانان و جوانان مشاهده می‌کنیم، نظیر: کمرویی، گوشه‌گیری، پرخاشگری، بی‌رغبتی نسبت به نماز و روزه و یا برعکس: شادابی و سرزندگی، فعالیت و سازندگی، اقامه نماز و اهمیت دادن به احکام مذهبی، غالباً متأثر از تجارب تربیتی کودک قبل از ورود به مدرسه است.

کودکان تشنه یادگیری هستند و نیاز به دانستن و پی بردن به راز هستی، یک نیاز فطری است. به هر صورت آنها می‌آموزند، بطور مستقیم و غیر مستقیم، آگاهانه و یا ناآگاهانه. برای کودکان همه جا مدرسه و کلاس درس است و همه کس می‌تواند معلم و مربی باشد.

این که همه کودکان بالفطره کنجکاو و کاوشگر هستند، خود نشانی است از همان نیاز آنها به دانستن، فهمیدن و پی بردن به علتها و معلولها. همه وجود کودکان مملو از سؤال است، سؤال از چراییها و چگونگیها، اما همیشه و همه کودکان سؤال‌نشان را به زبان نمی‌آورند. بسیاری از سؤالات کودکان را باید در سیما و چشمان نظاره‌گرشان جستجو نمود. به بیان دیگر حقیقت بین بودن حکم می‌کند که همواره به گونه‌ای باشیم که گویی نگاه ما، سخن ما و رفتار ما پاسخی است به سؤال و نیاز نهفته فرزندانمان و سرمشقی است برای مشق و درس چگونه زیستنشان.

کودکان ما پیوسته می‌آموزند و نسبت به هر چیزی که فرا می‌گیرند احساس تازه‌ای پیدا می‌کنند. باید تلاش کنیم که آموخته‌های آنها با تجارب خوشایند و دوست داشتنی توأم باشد. وقتی که انسان از موضوع یا مسأله‌ای که با آن مواجه

شده است، احساس خرسندی و خشنودی کند، آن موضوع یا مسأله را با راحتی، رضامندی و رغبت به خاطر سپرده، دیرتر فراموش می کند.

بر مبنای آنچه که گفته شد باید زیباترین و خوشایندترین اوقات کودکان و نوجوانان در کانون خانواده زمانی باشد که بزرگترها، بخصوص پدر و یا مادر آماده اقامه نماز می شوند. چرا که اگر خدای ناکرده حزن و اندوهی وجودشان را فراگرفته، یا اگر چهره ای گرفته و خشمگین دارند و برقراری ارتباط با آنه دشوار است، وقتی وضو می گیرند خشم فروکش کرده، چهره ای متبسم و مهربان می یابند و آن گاه که به نماز می ایستند، آنچنان است که گویی گمشده شان را یافته اند، آرام و با صلابت، متین و مطمئن و استوار با خدای خود سخن می گویند، و نوبتی دیگر هدف از حیات و معاد را تبسم می نمایند و برای ماندن بر صراط حق دعا می کنند.

هنگامی که کودکان بارها و بارها چنین حالت زیبایی را در والدین خود مشاهده کنند، در روانشان احساسی بسیار لطیف و خوشایند جلوه گر می گردد و به نماز و نمازگزار، مکان و حالت نماز علاقه مند می شوند. این است که انسان باید لطیف ترین و عارفانه ترین حالت و زیباترین صورت را در نماز داشته باشد. ۲.

تأثیر یادگیری غیر مستقیم یا مشاهده ای در ایجاد و تقویت احساس مذهبی

پایدارترین و در عین حال خوشایندترین یادگیریها، یادگیری غیر مستقیم یا مشاهده ای است. در این نوع یادگیری، یادگیرنده مطابق رغبتها و انگیزه های خود، آگاهانه و بدون هرگونه جبر و فشار روانی، همه حواس خود را متوجه رفتار مورد نظر می کند و با نوعی احساس خوشایند و عاری از دشواری بردانسته های و تجارب شناختی خویش می افزاید. اگر اولیاء و مربیان بتوانند بسیاری از رفتارهای مطلوب و احاسات خوشایند را بطور غیر مستقیم و یا ضمنی از طریق بهره گیری از وجود الگوهای رفتاری، در کودکان و نوجوانان به وجود آورند، فوق العاده ارزشمند و مؤثر خواهد بود. در یادگیری ضمنی و یا مشاهده ای، به جهت آن که یادگیرنده آگاهانه و داوطلبانه به موضوع یا رفتار خاصی دقت می کند، از نگرش مثبت و انگیزه قوی و غنی برخوردار است، کمتر دچار فشار ذهنی و خستگی شده، از دامنه توجه وسیعتری بهره می برد، درحالی که در آموزشهای مستقیم همیشه چنین نیست و ممکن است یادگیرنده یا دانش آموز نسبت به موضوع یادگیری رغبت و انگیزه ای از خود نشان ندهد و زودتر خسته شود. در یادگیری مشاهده ای ویژگیهای الگوبرداری کودکان و نوجوانان فوق العاده حائز اهمیت است. همان طوری که اشاره شد، غالب آموخته ها، مهارتها و رفتارهای ما از طریق مشاهده رفتار والدین، همسالان و مربیان شکل گرفته است.

به دیگر سخن، کودکان و نوجوانان رفتاری را از خود نشان می دهند که قبلاً در معرض مشاهده مستقیم و یا غیر مستقیم آن رفتار قرار گرفته و یا این که مدتها در حوزه شناختی خود رفتار مورد نظر را مرور کرده اند. نماز خواندن کودکان خردسال نیز رفتاری است که ابتداء آن را از طریق مشاهده آموخته و احساس خاصی نسبت به آن پیدا کرده اند. همان طوری که اشاره شد، در خانواده، نحوه نماز خواندن والدین، چگونگی نگرش آنها نسبت به نماز، تلقی آنها از اهمیت و عظمت نماز،

۲. پیامبر (ص) فرمودند: اگر عصبانی شدید وضو بگیرید، همان طوری که آب آتش را خاموش می کند، وضو نیز خشم را فرو می نشاند. (نهج الفصاحه).

۳. یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (سوره اعراف، آیه ۳۱).

رفتار آنها قبل از ایستادن به نماز، هنگام اقامه نماز و بعد از اتمام نماز، از جمله عوامل بسیار مهمی است که در ایجاد و پرورش احساس مذهبی، بخصوص تمایل به نماز خواندن در کودکان دخیل است. در این زمینه آنهایی که کودک و نوجوان با ایشان ارتباط متقابل دارند، مثل: پدر، مادر، دایی، عمه، خاله، عمو، معلم و مدیر، بیشترین مسؤولیت را عهده دار هستند.

نقش الگوهای رفتاری در پرورش احساس مذهبی

هر قدر الگوهای بزرگسال برای بچه‌ها مطلوبتر و محبوبتر باشند، میزان تأثیرپذیری بیشتر و پایدارتر می‌شود. بچه‌ها رفتار الگوهای مطلوبشان را بسیار دوست می‌دارند و مایلند که با آنان همانند سازی کنند و رفتاری همسان رفتار الگوهای خود داشته باشند. بچه‌ها هر قدر بیشتر پدر، مادر، دایی، خاله، عمه، عمو و معلم خودشان را قلباً دوست داشته باشند، به صورت ارادی و غیر ارادی تلاش می‌کنند که رفتاری نظیر رفتار آنها داشته باشند و یا به گونه‌ای بیندیشند، بگویند و عمل نمایند که مورد توجه و تأیید آنها باشد. این امر یک گرایش کاملاً طبیعی و فطری است. لذا اگر پدر، مادر و معلم دلشان می‌خواهد که فرزندان و شاگردانشان باورها و رفتارهای مطلوب آنها را مورد توجه کامل قرار داده، وجودشان متصف به ویژگیهای مورد نظر بشود، باید در درجه اول همواره سعی کنند که رفتارشان محبت آمیز باشد تا قلوب آنان را مسخر نمایند، زیرا هر اندازه پیوندهای عاطفی میان ایشان بیشتر باشد، همانندسازیها افزون و افزونتر می‌شود. در این شرایط دیگر نیاز چندانی به پند و اندرز و موعظه مستقیم نخواهد بود.

کودکان عمیقاً نسبت به رفتار الگوهای مطلوبشان علاقه مند و کنجکاو هستند و در س، ر، اندیشه بازنمایی چنان رفتاری را پرورش می‌دهند. اما باید توجه داشت که به قول موريس دبس، «کنجکاوای کودک دارای رنگی از یگانگی عاطفی است. یگانگی عاطفی عبارت از نوعی احساس یگانگی نموداری با فعالیتهای دیگران است. ساده ترین نمونه این احساس یگانگی در تماشاگران فوتبال دیده می‌شود: کسانی که عمیقاً جریان بازی را دنبال می‌کنند، بی اراده و در ضمن تماشای بازی، حرکت پا و بدون بازیکنان را با پا و بدون خود در هوا مجسم می‌کنند. در این جا همدلی، واکنشی انفعالی و احساس یگانگی، واکنشی حرکتی است.»

بدیهی است در این شرایط کسی که بمفوتبال و یا بازیگر فوتبال علاقه ای ندارد، رفتاری بی تفاوت و یا کم تفاوت خواهد داشت. کودک هم دقیقاً همین طور است، یعنی وقتی که به الگوی محبوبی علاقه مند شد، تلاش می‌کند وجود خود را متصف به صفات او نموده، از خود رفتاری نشان دهند که مورد تأیید الگویش باشد. وقتی که کودک و یا نوجوان نسبت به رفتار بزرگسالانی همچون پدر و مادر و الگوهای رفتاری فوق العاده مؤثر همانند دایی، عمه، عمو، خاله و معلم کنجکاو می‌شود، باید توجه داشت که کنجکاوای کودک بی هدف و بی نتیجه نیست، بلکه متضمن مشارکت فعالانه او به صورت بالقوه یا بالفعل در اعمال و رفتار الگوهاست. زمانی که نوجوانان الگوهای رفتاری مطلوب خویش را در شرایط و موقعیتهای مختلف در حالت اقامه نماز مشاهده می‌کنند، احساس خوشایندی سراسر وجودشان را فراگرفته، عمیقاً نسبت به رفتار آنها کنجکاو می‌شوند و با توجه به این که خود فطرتی دارند مستعد و نیازمند نیایش، با شور و شوق و احساسی زیبا و توصیف ناپذیر به نماز می‌ایستند.

مشاهده رفتار معلمان و دبیران محبوبی که هنگام اذان در کلاس و مدرسه بی هیچ شایبه ای اقامه صلوه می کنند، و نیز مشاهده گروه دیگری از الگوهای رفتاری موفق و شاخص در جامعه، همچون متخصصان مختلف، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، دانشجویان، خلبانان، ورزشکاران، شعرا نویسندگان، هنرمندان و ... که به هنگام شنیدن طنین سرود و ارستگی و آزادگی: اذان، در مسجد و خانه و دانشگاه و بیمارستان و میدان ورزش و ... به نماز می ایستند، بدون تردید حس کنجکاوی و همانند سازی نوجوانان را برمی انگیزد و در آنان احساس خوشایندی نسبت به نماز به وجود آورده، یا آن را تقویت می نماید.

درباره تأثیر نقش الگو در شکل گیری شخصیت انسان سخن فراوان گفته شده است و در این جا ذکر خاطره ای از یکی از عارفان بزرگ می تواند شاهد نیکویی بر این موضوع باشد:

روزی از «سهل شوشتری» که از عرفای بزرگ و اهل کرامات بود پرسیدند چگونه به این مقام و مرتبه رسیدی؟ او پاسخ داد: «من در کودکی نزد دایی ام زندگی می کردم، وقتی هفت ساله بودم، نیمه شب ادرار به من فشار آورد، بناچار از رختخواب برخاستم و به دستشویی رفتم. وقتی برگشتم که بخوابم دایی ام را دیدم که رو به قبله نشسته، عیابی به دوش کشیده، عمامه ای به دوش کشیده، عمامه ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم تا نمازش تمام شد، آنگاه از من پرسید: «پسر، چرا نشسته ای، برو بخواب.» گفتم: «از کار شما خوشم آمده و می خواهم پهلوی شما بنشینم.» گفت: «نه برو بخواب.» رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. وقتی از دستشویی برگشتم، باز هم دایی مشغول نماز خواندن بود. کنارش نشستم. به من گفت: «برو بخواب» گفتم: «دوست دارم هر چه شما می گوئید، من هم تکرار کنم.» دایی ام مرا رو به قبله نشانید و گفت: «یک مرتبه بگو یا حاضر و یا ناظر.» من هم تکرار کردم. سپس دایی گفت: «برای امشب کافی است، حالا برو بخواب.»

این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت: «یا حاضر و یا ناظر» را چند بار تکرار می کردم. کم کم وضو گرفتن را هم آموختم و پس از اذان صبح بیدار می شدم و پس از نماز تسبیح به دست می گرفتم و پیوسته تکرار می کردم: «یا حاضر و یا ناظر» و از این کار حظ روحانی می بردم تا این که به این مقام و مرتبه رسیدم.»

در این جا لازم است به چند نکته بسیار ظریف و درعین حال مهم توجه نمود:

- ۱ - کودک به الگوی رفتاری خود (دایی) به لحاظ رفتار عاطفی متقابلی که با او داشته، عمیقاً علاقه مند شده و شخصیت «دایی» برایش بسیار مطلوب و محبوب بوده است.
- ۲ - کودک به لحاظ علاقه مندی به این الگوی محبوب و شخصیت مطلوب، نسبت به رفتار (نماز در نیمه شب) فوق العاده کنجکاو می شود.
- ۳ - کودک سعی می کند با اشتیاق فراوان همانندسازی نموده، رفتاری از خود نشان دهد که مانند رفتار دایی یا الگوی محبوبش باشد.
- ۴ - بالاخره علاقه و شوقی که وجود کودک را فرا گرفته و اخلاصی که در او هست سبب می شود که احساس عمیق و خوشایندی نسبت به نماز در وجود او پرورش یابد و اقامه نماز برایش لذت بخش باشد.

۵ - الگوی بزرگسال، مربی وارسته، یعنی دایمی کودک نیز نقش مهمی در خوشایند جلوه دادن چنین تجربه

نیکویی داشته است:

الف) مربی (دایمی) همواره با چهره ای گشاده و متبسم با کودک مواجه شده است و زمانی که در نیمه شب، کودک بر حسب اتفاق دایمی خود را در حالت نماز و نیایش مشاهده می کند، او را با سیمایی منور، متبسم و مهربان می یابد.

ب) وقتی که الگوی محبوب کودک دیگر بار بر اثر اصرار کودک برای همراهی و همگامی، با وی مواجه می شود، برای او تجربه ای بسیار خوشایند فراهم می نماید.

ج) برای اولین نماز کودک، آن هم در نیمه شب، برنامه ای بسیار، آسان، مختصر، دوست داشتنی و لذت بخش فراهم می کند. مربی بزرگوار با علم به این که دوره کودکی، دوره بازی، آقایی و مهرطلبی است، و طولانی شدن نماز ممکن است از خوشایندی آن برای کودک بکاهد، به حداقل زمان و کمترین و در عین حال عمیق ترین بیان: «یا حاضر و یا ناظر» اکتفا می کند، و کودک با احساسی زیبا و لطیف و آرزوی تکرار دوباره چنین تجربه خوشایندی از اقامه نماز در کنار الگوی محبوب، در حالی که رفتار تشویق آمیز و تأیید گرانه دایمی یا مربی بزرگ خود را به همراه دارد، به خواب می رود. واقعیت این است که صفات اخلاقی مهم، ارزشها و رفتارهای پسندیده و مطلوب برای کودکان چیزی است که در درجه اول خانواده یا گروه مرجع نخستین و الگوهای رفتاری با باورهای قوی و رفتاری مستمر، متعادل و متعالی به آنها آموخته اند. به عبارت دیگر کودکان و نوجوانان نظام ارزشها و رفتاری الگوهای بزرگسال را به عنوان یک هدف رفتاری مطلوب می پذیرند، بخصوص زمانی که رفتار الگوها ترسیمی از شیوه و طریق متعالی زندگی بوده، پاسخی باشد برای نیازهای فطری کودکان. در این جا سعی می شود به چگونگی تأثیر رفتار الگوها و تقلید در استقرار عادات و تکوین شخصیت کودک منحصر اشاره ای بشود.

تقلید از الگوها و استقرار عادات جدید در کودکان و نوجوانان

همان طوری که پیشتر ذکر گردید، تقلید و یادگیری مشاهده ای اساس رفتار و آموخته های اولیه انسان را تشکیل می دهد. حقیقت آن است که یادگیری از طریق تقلید و تأثیر رفتارهای کلامی و غیر کلامی الگوها، از همان ماههای اول تولد کودک وجود دارد. به عنوان مثال یادگیری زبان تا حدود نسبتاً زیادی بر اساس تقلید است. کودک از همان ماههای اول صداهایی را که به صورت کلمات می شنود مرتباً تقلید می کند و همین صداها بتدریج درونی شده، یادگیری زبان را برای کودک میسر می سازد.

مسلماً کودک نسبت به صداهایی که مشابه صدای مادر و پدر و دیگر اطرافیان است حساسیت بیشتری نشان می دهد و همین امر بتدریج پایه های اجتماعی شدن کودک را فراهم می سازد. پر واضح است که کودک از همان ماههای اول تولد با صدای آرام و دلنشین والدین آشنا شده، وجودش شکوفا می گردد. با توجه به این مسأله بسیار مهم و در نظر گرفتن این نکته که همواره حواس کودک متوجه اطرافیان می باشد، بسیار شایسته است هنگامی که پدر، مادر و یا دیگر اعضای خانواده در خانه نماز می خوانند، ترتیبی بدهند تا آنجا که مقدور است نماز خود را اندن آنها در حوزه توجه سمعی کودک - که فوق العاده حساس و تأثیر پذیر بوده، از چند ماه قبل از تولد فعال می باشد - همچنین در صورت امکان در محدود دید نوزادان و کودکان خردسال قرار داشته باشد.

از آن جایی که اولین مرحله در یادگیری مشاهده ای، توجه کودکان و نوجوانان به رفتارهای کلامی و غیر کلامی الگوهاست، و با درک این حقیقت که اگر یادگیرنده به رفتار الگو توجه نکند، چیزی از رفتار او را نخواهد آموخت، لازم است رفتار الگوها همواره برای مشاهده کنندگان، گیرا، جذاب و خوشایند باشد. لذا این مرحله از یادگیری مشاهده ای، هنگامی که متضمن بار عاطفی و احساسی خوشایند است، بیشترین تأثیر را در رفتار کودکان و نوجوانان می گذارد و بالطبع یادداری یا یادسپاری رفتار مورد نظر نیز در نزد کودکان و نوجوانان راحت تر و آسانتر انجام می پذیرد. در مرحله دوم از یادگیری مشاهده ای، کودک رفتار الگو را به صورت رمزهای کلامی یا تجسمی به خاطر می سپارد. بدیهی است چنان که اشاره شد، هر قدر الگو محبوبتر باشد یادسپاری رفتار او آسانتر است. زمانی که الگوهای رفتاری محبوب کودکان و نوجوانان با تعظیم و تکریم و با چهره ای مصمم و در عین حال گشاده و متبسم به نماز می ایستند و با خالق هستی سخن می گویند، کودکان نه تنها از تماشای این حالت دچار سرور و احساس رضامندی می شوند، بلکه سعی می کنند با انگیزه فراوان این قبیل رفتارهای الگوها را به خاطر بسپارند و اشتیاق بازآفرینی این رفتارها را می توان از نگاههای نظاره گر آنها دریافت.

کودکان و نوجوانان در نخستین فرصت مناسبی که برایشان فراهم می آید و به محض آن که به آمادگیهای لازم دست می یابند، سعی می کنند که رفتار آموخته شده را از خود نشان دهند. زمانی که کودکان بدون آن که اولیاء از آنان خواسته باشند و یا مستقیماً به آنها آموزش داده باشند، در کنار پدر و مادر می ایستند و یا به تنهایی نماز خواند آنها را تقلید می کنند، بیانگر همان حقیقت است. بدیهی است اگر این رفتار کودک که خود انعکاسی است از رفتار الگوها، مورد تأیید و تشویق والدین و الگوها قرار گیرد، تقویت شده، تمایل و انگیزه کودک برای افزایش انجام آن رفتار بیشتر و بیشتر می شود. لازم به تذکر است که آن دسته از رفتارهای الگوها، اعم از رفتار مطلوب و نامطلوب که مورد توجه مستقیم و یا غیر مستقیم کودکان قرار می گیرد، طبعاً توسط آنان آموخته می شود. حال اگر امکان تکرار و انجام آن رفتارها برای کودکان وجود نداشته باشد، نمی تواند دلیلی باشد بر این که آنها رفتارهای مورد نظر را یاد نگرفته و یا به خاطر نسپرده اند. در بسیاری از موارد، کودک با تحیل و یا تکرار ذهنی رفتار که مشاهده نموده، توانسته است رفتار مورد نظر را در حافظه اش حفظ کند. فی المثل اگر پدر یا مادری در خانه سیگار می کشد اما تقلید و یا تکرار این رفتار او را یاد نگرفته است، کاملاً خاطر جمع باشد. آنگاه فرزندان با توجه، به کنجکاوی و اشتیاق، رفتار پدر و مادر را مورد مشاهده قرار داده اند، بالطبع آن را فراگرفته اند، ولی در حال حاضر رفتار مورد نظر را از خود ب روز نمی دهند (یادگیری نهفته) و ممکن است بعدها اگر فرصت مناسبی پیش آید آن رفتار (سیگار کشیدن) را از خود نشان دهند. بنابراین با اذعان به این حقیقت که رفتارهای والدین به طور کلی مورد توجه و یادسپاری فرزندان است، باید سعی نمود که هرگز زمینه بدآموزی پنهان و آشکار برای کودکان فراهم نگردد.

از سوی دیگر زمانی که اولیاء و مربیان تمایل دارند رفتارهای مطلوب آنها همانند راستگویی، صداقت، ایثار، حفظ حجاب، نماز و ... عمیقاً مورد توجه و یادگیری کودکان و نوجوانان قرار گیرد، لازم است همواره در علمکردهای خود ثابت قدم بوده، چهره ای مصمم و متبسم، و شخصیتی عاطفی، منطقی و قابل اعتماد داشته باشد.

هر قدر شخصیت الگوهای بزرگسال برای کودکان و نوجوانان محبوب و دوست داشتنی باشد، تأثیر پذیری آنها افزایش می‌یابد. پرواضح است که هرگز نباید به اجبار مانع مشاهده رفتارمان توسط کودکان شویم و نیز هیچ‌گاه نباید با اعمال زور و فشار کودکان را وادار به تقلید یا تبعیت از رفتار بزرگسالان بنماییم. در عوض شایسته است بیش از هر چیز جاذبه و خوشایندیهای رفتار خود را افزایش دهیم و بر آن باشیم که با کودکان و نوجوانان رابطه‌ای دوستانه و صمیمی داشته باشیم. اگر چنین فضایی بر خانواده‌ها و مدارس حاکم بوده، اولیاء و مربیان بهترین و مطمئن‌ترین دوست و همراه برای کودکان و نوجوانان باشند، بسیار آسان و بدون زحمت، رفتارشان مورد توجه و تقلید آگاهانه آنها واقع می‌شود. به قول پیامبر بزرگوار (ص): «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ» انسان همواره پیرو باورها و رفتارهای دوست و همنشین خود است.

تعظیم و تکریم «نماز» توسط الگوهای رفتاری

اگر الگوهای رفتاری بزرگسال برای ارزشها و شعائر مذهبی، بخصوص نماز اهمیت فوق العاده‌ای قائل شوند، و در این اندیشه پایدار و ثابت قدم بمانند، کودکان و نوجوانان نسبت به نماز و اهمیت آن احساس و نگرش خاصی پیدا می‌کنند. وقتی که کودکان از همان سنین اولیه حیاتشان بارها و بارها مشاهده می‌کنند که پدر و مادر مهربان، دلسوز و محبوب آنها، در خانه، سفر، گردش، میهمانی، کار و در هر شرایط و موقعیتی به ندای اذان و اقامه نماز بیش از هر چیز دیگر اهمیت می‌دهند و بزرگترین رسالت خود را به هنگام اذان تحت هر شرایطی نماز خواندن و سخن گفتن با خدا می‌دانند، بدون تردید نگرش و طرز تلقی آنها نیز نسبت به نماز چنین خواهد بود.

در جنگ صفین که از مهمترین جنگهای صدر اسلام است، در کشاکش نبرد، تعدادی از سپاهیان حضرت علی علیه السلام مشاهده کردند که امیر المؤمنین از میان لشکر صورتش را به طرف آسمان گرفته، به آفتاب می‌نگرد. «ابن عباس» که در آن جا حاضر بود، جلو رفت و علت را سؤال کرد. حضرت فرمود: «آیا در این گیرودار و اشتغال به جنگ، هنگام نماز است؟» امیر المؤمنین علیه السلام در جواب سؤال «ابن عباس» فرمود: «ما برای چه با این قوم می‌جنگیم، آیا جز برای این است که نماز برپا شود؟»

وقتی اولیاء و مربیان نگرشی شکوهمند به نماز داشته باشند، قطعاً کودکان نیز نماز را گرامی خواهند داشت.

نقل یا نمایش قصه‌ها و خاطره‌های زیبا در ارتباط با اهمیت و عظمت نماز

بدون شک بیان قصه‌های لطیف و خاطره‌های زیبا و فراموش‌نشدنی درباره «نماز» و اهمیت آن در زندگی و استفاده بهینه از هنر نمایش در به تصویر کشیدن نگرش و رفتار پیشوایان، رهبران و الگوهای محبوب در ارتباط با نماز، می‌تواند تأثیرات بسیار مؤثر و پایداری در ایجاد بازخوردهای نوین نسبت به ارزش و جایگاه نماز در بین همه مردم بخصوص نوجوانان و تلطیف احساسات مذهبی آنها داشته باشد. مسلماً در نقل قصه‌های نماز یا تهیه برنامه‌های نمایشی و تلویزیونی می‌بایست دقیقاً به اصول روان‌شناسی اجتماعی توجه نموده، ویژگیهای سنی، ذهنی و گرایشهای روانی - عاطفی و همچنین شرایط فرهنگی - اجتماعی مخاطبین را مد نظر قرار داد و حتی الامکان از بیان مستقیم و شیوه تبلیغی صرف پرهیز کرد.^۱

۱. در تهیه، تولید و پخش برنامه‌های کودکان و نوجوانان از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز باید برای مسأله مهم ایجاد و پرورش احساس مذهبی در کودکان بیشترین بها را قائل بود. بویژه زمان پخش برنامه‌های کودکان را باید به گونه‌ای تنظیم کرد که نه تنها پخش

بدیهی است بیان ضمنی حکایات و روایات بسیار زیبا و فراموش نشدنی توسط آن دسته از افرادی که به ن ظر کودکان و نوجوانان از شخصیت محبوب، مطلوب و نافذی برخوردارند، بخصوص اولیاء و مربیان و دبیران، تأثیر فوق العاده زیاده می تواند داشته باشد. در این جا علاوه بر آنچه که در ارتباط با «نماز» امام متقیان حضرت علی علیه السلام به هنگام جنگ صفین نقل گردید، از باب نمونه به چند روایت و خاطره دیگر از چگونگی نگرش و رفتار بعضی از الگوهای وارسته و موحد درباره اهمیت نماز که نقل نیکو و یا به تصویر کشیدن آنها می تواند در پرورش و تقویت احساسات مذهبی و تعظیم و تکریم «نماز» مؤثر واقع شود، اشاره می گردد.

در یکی از روزها که امام راحل (ره) در بیمارستان شوشتری بودند، پزشکان برای آرام شدن درد به ایشان قرص مسکن دادند. امام که می دانستند این قرص خواب آور است، از پزشکان خواستند که به هنگام اذان ظهر ایشان را بیدار کنند و وقت اذان ظهر فرا رسید، ولی پزشکان برای رعایت حال امام، ایشان را بیدار نکردند. به دستور پزشکان غذای امام را بالای سرایشان قرار دادند. امام لحظاتی بعد از خواب بیدار شدند و از دیدن سینی غذا تعجب کردند و از پزشکان پرسیدند مگر وقت نماز و ناهار شده است؟ پزشکانی که خدمت امام بودند عرض کردند: اذان را گفته اند ولی به دلیل رعایت حالتان شما را بیدار نکردیم. امام از این کار پزشکان ناراحت شده، قبل از این که غذا را میل کنند نماز ظهر و عصر را به جای آوردند. روزی حدود ظهر نزد شهید بزرگوار رجائی بودم، صدای اذان شنیده شد، درحالی که ایشان از جایشان حرکتی کرده، می خواستند خود را برای اقامه نماز آماده کنند، یکی از خدمتگزاران وارد اتاق شد و گفت: «غذا آماده است، سرد می شود، اگر اجازه می فرمایید بیاورم.» شهید رجائی فرمودند: «خیر، بعد از نماز.»

وقتی که خدمتگزار از اتاق خارج شد، ایشان با چهره ای متبسم و دلی آرام خطاب به من فرمودند: «عهد کرده ام هیچ وقت قبل از نماز ناهار نخورم، اگر زمانی ناهارم را قبل از نماز بخورم، یک روز روزه می گیرم.»

«استاد شهید مرتضی مطهری اهمیت فوق العاده ای برای نماز قائل بودند. ایشان هرگز با لباس خانه نماز نمی خواندند خصوصاً نماز صبح را ما که از رختخواب بیرون می آییم با همان لباس زیر نماز صبح را می خوانیم، اما ایشان به هنگام نماز لباس می پوشیدند، عمامه به سر می گذاشتند و خودشان را برای نماز آراسته می کردند.

شاید این کار بدین سبب بود که می خواستند از همان آغاز که لباس می پوشیدند آمادگی روحی پیدا کنند، یعنی: «منم می خواهم کاری انجام دهم کف سرسی نیست.» این حالت تهیو «آمادگی» قبل از نماز، مسلماً تأثیر روحی بسزایی دارد.

در یکی از جنگهایی که رسول خدا «ص» همراه لشکر اسلام بود، شبی نگهبانی از لشکر را به عهده «عمار یاسر» و «عباد بن بشر» قرار داد. آن دو نفر چنین با یکدیگر قرار گذاشتند که تا نصف شب نگهبانی با عباد و نصف دیگر شب به عهده عمار یاسر باشد. به این ترتیب عمار به گوشه ای رفت و خوابید و عبد به پاسداری مشغول شد. مدتی گذشت، همه جا ساکت و آرام بود، به طوری که عباد به فکر افتاد از فرصت استفاده نموده، به عبادت و نماز پردازد.

درحین نماز، یکی از افراد دشمن به لشکر مسلمانان نزدیک شد و تیری به سوی عباد پرتاب کرد. تیر به عباد برخورد نمود، ولی او دست از نماز برنداشت. عباد نماز را مختصر کرد و به پایان برد، آنگاه عمار را از خواب بیدار کرد. عمار دید که

اذان موجب قطع برنامه آنها نگردد، بلکه در مواقعی که مقدور است، بخش اذان یا برنامه کوتاه مذهبی، خودنوید خوشایندی برای آغاز برنامه دوست داشتنی آنان باشد.

تیرهایی بر بدن عباد نشسته و خون زیادی از بدنش رفته است. بباو گفت: «چرا در همان وقتی که تیر اول به بدن تو نشست، مرا بیدار نساختی؟»

عباد گفت: «ای عمار، در نما سوره کهف را می خواندم، به همین خاطر راضی نشدم این سوره را ناتمام بگذارم و اگر نمی ترسیدم که دشمن مرا از پای درآورد و به رسول خدا حمله برد و من در وظیفه ام کو تاهی کرده باشم، هیچ گاه از تمام کردن نماز و از خواندن سوره کهف دست برنمی داشتم، هر چند به قیمت جانم تمام شد. سپس هر دو حرکت کردند و دشمن را از لشکر اسلام دور ساختند.

روزی که سران کشورهای اسلامی برا قضیه صلح ایران و عراق به خدمتشان آمده بودند، وسط جلسه بود که اذان ظهر گفته شد. امام بلند شدند و فرمودند که من می خواهم نماز بخوانم و چون مقید بودند هنگام نماز خود را با عطر و ادلکن خوشبو کنند، در همان جلسه اشاره کردند که ادلکن مرا بیاورید، پس از ادلکن زدن به نماز ایستادند و دیگران هم پشت سرشان نماز جماعت خواندند.

توأم کردن نماز با تجارب متنوع و خوشایند برای کودکان و نوجوانان

با در نظر گرفتن اصولی که اختصاراً به آنها اشاره شد، باید سعی کنیم که مسأله توجه کودک به ارزش و اهمیت نماز و بالطبع یادسپاری آن را با موقعیتهای خوشایند و دوست داشتنی توأم نماییم. در این شرایط بازآفرینی آموخته ها راحت تر و لذت بخشتر خواهد شد. به عنوان مثال اقامه نماز همراه با اعضای خانواده، اقامه نماز با مهمانان و خانواده های فامیل و نزدیکان، همراه با بچه ها و بزرگسالان، اقامه نماز در نماز جمعه، برپایی نماز در مدارس، همراه با معلمان و مربیان، اقامه نماز در پارکها، برگزاری نماز در میدانهای ورزشی، اقامه نماز در فرودگاهها و ... می تواند برای کودکان و نوجوانان بسیار خوشایند و دوست داشتنی باشد. همان طوری که پیشتر ذکر شد، در خانواده و مدرسه باید بهترین شرایط عاطفی و روانی و نهایت خوشرویی اولیاء و مربیان به هنگام نماز فراهم باشد، تا جایی که کودکان در انتظار وقت نماز و نماز خواندن والدین باشند. با رعایت این شرایط، کودکان و نوجوانان با نماز خو گرفته، شیفته آن خواهند شد.

نگاهی به رفتار پیامبر بزرگوار (ص) اسوه و الگوی کامل انسانها در این زمینه، بسیار عبرت انگیز است.

روزی پیامبر اکرم با جمعی از مسلمین در نقطه ای نماز می گزاردند. موقعی که آن حضرت به سجده می رفت حسین (ع) که کودک خردسالی بود به پشت پیغمبر سوار می شد، پاهای خود را حرکت می داد و هی می کرد. وقتی پیامبر می خواست سر از سجده بردارد او را می گرفت و پهلوی خود به زمین می گذارد. باز در سجده دیگر، تا پایان نماز طفل مکرراً به پشت پیغمبر سوار می شد. یک نفر یهودی ناظر این جریان بود. پس از نماز به حضرت عرض کرد: شما با کودکان خود طوری رفتار می کنید که ما هرگز چنین نمی کنیم. پیغمبر اکرم در جواب فرمود: اگر شماها به خدا و رسول خدا ایمان می داشتید با کودکان خود عطف و مهربان بودید. مهر و محبت پیغمبر عظیم الشان نسبت به کودک، مرد یهودی را سخت تحت تأثیر قرار داد و او صمیمانه آئین مقدس اسلام را پذیرفت.

افزایش تجارب موفقیت آمیز کودکان در خواندن نماز

کودکان بیش از همه نیاز به تشویق و تأیید دارند. وقتی که کودکی روی زمین دراز می کشد و صورتش را به سجاده و مهر می مالد، به جای آن که پای او را گرفته، حالتش را به صورت سجده بزرگسالان درآوریم، بهتر است همان رفتار

کودکانه اش را تشویق و تأیید کنیم. تشویق باعث می شود که این رفتار مطلوب بارها و بلوها تکرار شود و به موازات رشد ذهنی و حرکتی کودک زمینه یادگیری «سجده کردن» هم فراهم گردد. اگر کودک جمله ای و یا حتی کلمه ای از نماز را به زبان آورد باید او را جداً مورد تشویق قرار داد. هنگامی که کودک کلمه الله اکبر و یا لا اله الا الله را به زبان جاری می کند مستحق تشویق و پاداش پدر و مادر است.

توجه به توانمندیهای کودکان و نوجوانان در اقامه نماز

در یادگیری نماز شایسته است توانمندیهای کودک را مد نظر قرار داد، نه ناتوانیها و ضعفهای او را. لازم است همواره در ارتباط با یادگیری نماز توسط کودکان، بخصوص در مورد آنهایی که به سن تکلیف نرسیده اند، آنچه که خوب می دانند مورد توجه باشد و نه ضعفها و ناتوانیها. تأکید ما بر نکات مثبت رفتار کودکان سبب می شود که اعتماد به نفس آنها قویتر شده، با احساس خود ارزشمندی، انگیزه غنی و توجه بیشتر موضوعات و مطالب مورد نظر را بهتر بیاموزند و با آمادگی و جرأت، موفق به انجام بشوند. اگر در نماز خواندن بر کودکان سخت بگیریم و در ارتباط با نماز آنها را مورد تشویق و تأیید قرار ندهیم، بتدریج در وجودشان احساس ناخوشایندی نسبت به «نماز» پیدا می شود و نه تنها در یادگیری اذکار، آداب و ترتیب نماز بیشتر دچار مشکل می شوند، بلکه آن را یک تکلیف سخت پنداشته، زمینه سستی و یا گریز از نماز در آنها به وجود می آید.

باید سعی کنیم با تشویق و ترغیب، قدرت تحمل کودکان و نوجوانان را افزایش دهیم و از تحقیر شخصیت آنها خودداری نماییم. هرگز نباید نماز خواندن کودکان دیگر را به رخ فرزندانمان بکشیم و احساس حسادت، حقارت، خود کم بینی و گریز از نماز را در او ایجاد کنیم، بلکه به گونه ای که قبلاً ذکر شد، صرفاً با تشویق و تأیید رفتار و تأکید بر نقاط مثبت و تواناییها، و محسور نمودن او با افرادی که از ملاقات با آنها خرسند است، رفتارهای مطلوب و بویژه نماز خواندن را در وی تربیت کنیم.

سادگی، زیبایی و گیرایی مساجد و نمازخانه ها

در یک جامعه اسلامی، می بایست کودکان و نوجوانان از نگرشی مثبت و خوشایند نسبت به اماکن مقدس، همچون مساجد و نمازخانه ها برخوردار باشند. «مسجد» و نمازخانه باید احساسات و خاطره های زیبا و به یادماندنی را برای کودکان و نوجوانان تداعی کند. سرانجام ما باید تدابیری اتخاذ نماییم که کودکان «مسجد» را محلی آرامش بخش، زیبا و دوست داشتنی بدانند.

منابع :

- (۱) یکصد و چهارده نکته درباره ی نماز، محسن قرائتی، چاپ و نشر طرق اقامه نماز
- (۲) دانشتني های لازم از نماز، محمد وحیدی ، چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه قم ، چاپ سوم ۱۳۸۶
- (۳) اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی ، دکتر علی قائمی ، انتشارات ستاد اقامه نماز ، چاپ هشتم ۱۳۸۷
- (۴) روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان ، دکتر غلامعلی ی افروز ، انتشارات انجمن اولیا و مربیان ، چاپ یازدهم ۱۳۸۶
- (۵) نماز شناسی ، حسن راشدی ، انتشارات ستاد اقامه نماز ، بهار ۱۳۸۷
- (۶) سیمای نماز در آثار علامه حسن زاده
- (۷) سیری در اسرار نماز ، عقیقی بخشایشی ، دفتر نشر نوید اسلام قم